105356 ـ بیمار چگونه طهارت بگیرد و نماز بخواند؟

سوال

بیمار چگونه طهارت بگیرد و نماز بخواند؟ لطفاً این موضوع را به تفصیل بیان کنید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

«اولاً: طهارت بیمار:

۱ـ بر بیمار همان طهارتی با آب از حَدَث اصغر و اکبر واجب است که بر شخص سالم واجب است، یعنی او برای رفع حَدَث اصغر وضو می‌گیرد و برای رفع حدث اکبر غسل می‌کند.

۲ـ پیش از وضو، استنجا با آب یا استجمار با سنگ یا چیزی که جایگزین آن می‌شود، برای کسی که ادرار یا مدفوع کرده، لازم است.

در استجمار، سه سنگ پاک لازم است و استجمار با سرگین، استخوان، غذا و هر چیزی که حرمت دارد، جایز نیست. بهتر است که شخص با سنگ و مانند آن؛ مانند دستمال کاغذی و امثال آن استجمار کند، سپس به دنبال آن از آب استفاده نماید، زیرا سنگ عین نجاست را از بین می‌برد و آب محل را پاک می‌کند، که این کامل‌تر است.

انسان میان استنجا با آب یا استجمار با سنگ و مانند آن (مثلا دستمال توالت)، مختار است. اگر او بخواهد به یکی از آنها اکتفا کند، آب بهتر است؛ زیرا محل را پاک می‌کند و عین و اثر [نجاست] را از بین می‌برد و در پاکیزگی کامل‌تر است. اگر او به سنگ (و دستمال) اکتفا کند، سه سنگ (یا سه دستمال) برایش کافی است اگر با آنها محل را پاک کند، و اگر کافی نبود، سنگ چهارم و پنجم را اضافه می‌کند تا محل پاک شود، و بهتر است که بر عدد فرد تمام کند.

استجمار با دست راست جایز نیست، و اگر دست چپ شخص قطع شده باشد یا شکستگی یا بیماری و مانند آن داشته باشد، به دلیل نیاز با دست راستش استجمار می‌کند و ایرادی ندارد.

۳ـ اگر بیمار به دلیل ناتوانی یا ترس از بدتر شدن بیماری یا تأخیر در بهبودی نتوانست با آب وضو بگیرد، تیمم می‌کند.

تیمم عبارت است از اینکه شخص با دستانش یک ضربه بر خاک پاک بزند، سپس با کف انگشتانش صورتش را و با کف

دستانش دو دستش را مسح کند.

شخص می‌تواند بر هر چیز پاکی که گرد و غبار دارد، تیمم کند، هرچند بر روی زمین نباشد، مانند اینکه گرد و غباری بر دیواری یا مانند آن نشسته باشد. اگر او از تیمم اول بر طهارت باقی ماند، مانند وضو می‌تواند با آن نماز بخواند، هرچند چندین نماز باشد، و لازم نیست تیممش را تجدید کند؛ زیرا آن بدل آب است، و بدل، حکمِ اصل را دارد.

تیمم با هر چیزی که وضو را باطل می‌کند، و با توانایی بر استفاده از آب یا یافتن آن در صورتی که نایاب بوده، باطل می‌شود.

۴- اگر بیماری جزئی باشد و شخص از استعمال آب، ترس از تلف شدن یا بیماری خطرناک یا تأخیر در بهبودی یا زیاد شدن درد یا چیز ناخوشایند شدیدی نداشته باشد، مانند سردرد و دندان‌درد و امثال آنها، یا کسی باشد که می‌تواند از آب گرم استفاده کند و ضرری برایش ندارد، تیمم برای این شخص جایز نیست؛ زیرا جواز تیمم برای رفع ضرر است و او ضرری نمی‌بیند، و چون آب در دسترس دارد، استعمال آن بر او واجب است.

۵- اگر برای بیمار سخت بود که خودش وضو بگیرد یا تیمم کند، شخص دیگری او را وضو یا تیمم دهد و این برایش کافی است.

۶- کسی که زخم یا جراحت یا شکستگی یا بیماری‌ای دارد که استعمال آب به او ضرر می‌رساند و جُنُب شد، تیمم برایش جایز است، و اگر برایش ممکن بود که بخش سالم بدنش را بشوید، این کار بر او واجب است و برای باقی [بدن] تیمم می‌کند.

۷ـ کسی که در یکی از اعضای طهارتش زخمی دارد، آن را با آب می‌شوید، و اگر شستن آن برایش سخت بود یا به آن ضرر می‌رساند، هنگام شستن آن عضوی که زخم در آن است، به ترتیب، آن را با آب مسح می‌کند، و اگر مسح کردن آن نیز برایش سخت بود یا به آن ضرر می‌رساند، به جای آن تیمم می‌کند و کافی است.

۸ـ صاحب جبیره: او کسی است که در برخی از اعضایش شکستگی‌ای دارد که با پارچه یا مانند آن بسته شده است، پس بر روی آن با آب مسح می‌کند و همین برایش کافی است، هرچند آن را در حالت طهارت نبسته باشد.

۹ـ بر بیمار واجب است که هرگاه قصد نماز خواندن داشت، در پاک کردن بدن و لباس و مکان نمازش از نجاسات بکوشد، و اگر نتوانست، در همان حال نماز می‌خواند و ایرادی بر او نیست.

۱۰ـ اگر بیمار به بی‌اختیاری ادرار مبتلا بود و با معالجه بهبود نیافت، بر اوست که برای هر نماز پس از داخل شدن وقت آن، استنجا کرده و وضو بگیرد، و آنچه از بدنش و لباسش [به ادرار] آلوده شده را بشوید، یا برای نماز لباس پاکی قرار دهد

[که فقط هنگام نماز آن را بپوشد] اگر این کار برایش سخت نباشد، وگرنه مورد عفو است، و برای خود احتیاطی به خرج دهد که از انتشار ادرار در لباس یا جسم یا مکان نمازش با قرار دادن پوششی بر سر آلت، جلوگیری کند.

ثانیاً: نماز بیمار:

۱ـ بر بیمار واجب است که تا حد توانایی‌اش ایستاده نماز بخواند.

۲ـ کسی که نمی‌تواند بایستد، نشسته نماز می‌خواند و بهتر است که در تمام حالت قیام، چهار زانو بنشیند.

۳ـ اگر او از نماز خواندن به صورت نشسته نیز عاجز بود، بر پهلو در حالی که صورتش رو به قبله است، نماز می‌خواند، و مستحب است که بر پهلوی راست باشد.

۴- اگر از نماز خواندن بر پهلو نیز عاجز بود، به پشت دراز کشیده در حالی که پاهایش به سوی قبله است، نماز می‌خواند.

۵- کسی که قادر به ایستادن است اما از رکوع یا سجود عاجز است، ایستادن از او ساقط نمی‌شود، بلکه ایستاده نماز می‌خواند و برای رکوع اشاره می‌کند، سپس می‌نشیند و برای سجود اشاره می‌کند.

۶- اگر در چشمش بیماری‌ای بود و پزشک مورد اعتمادی گفت: اگر به پشت دراز کشیده نماز بخوانی، درمانت ممکن است وگرنه خیر، برای او جایز است که به پشت دراز کشیده نماز بخواند.

۷ـ کسی که از رکوع و سجود عاجز است، با اشاره آن دو را به جای می‌آورد، و سجده را پایین‌تر از رکوع قرار می‌دهد.

۸ـ کسی که تنها از سجود عاجز است، رکوع می‌کند و برای سجود اشاره می‌کند.

۹ـ کسی که نمی‌تواند کمرش را خم کند، گردنش را خم می‌کند، و اگر کمرش خمیده بود و به حالت رکوع درآمده بود، هرگاه خواست رکوع کند، کمی بیشتر بر خمیدگی‌اش می‌افزاید، و در سجود صورتش را تا جایی که برایش ممکن است به زمین نزدیک می‌کند.

۱۰ـ اگر او قادر به اشاره با سرش نیست، تکبیر می‌گوید و قرائت می‌کند و با قلبش نیت قیام و رکوع و بلند شدن از آن و سجود و بلند شدن از آن و نشستن میان دو سجده و نشستن برای تشهد را می‌کند، و اذکار وارد شده را می‌گوید. اما آنچه برخی بیماران انجام می‌دهند و با انگشت اشاره می‌کنند، اصلی ندارد.

۱۱ـ هرگاه بیمار در اثنای نمازش بر آنچه از آن عاجز بود، از قیام یا نشستن یا رکوع یا سجود یا اشاره، توانا شد، به آن حالت منتقل می‌شود و بر آنچه از نمازش گذشته، بنا می‌کند [و ادامه می‌دهد].

۱۲ـ اگر بیمار یا غیر او از نمازی خواب ماند یا آن را فراموش کرد، بر او واجب است که هنگام بیدار شدن از خواب یا هنگام به یاد آوردن آن، نمازش را بخواند، و جایز نیست که آن را تا داخل شدن وقت نماز مشابه [در روزهای بعد] ترک کند تا در آن وقت بخواند.

۱۳ـ ترک نماز در هیچ حالتی جایز نیست، بلکه بر مکلف واجب است که در تمام حالاتش، در سلامتی و بیماری، بر نماز حریص باشد؛ زیرا آن ستون اسلام و بزرگترین واجبات پس از شهادتین است. پس برای هیچ مسلمانی جایز نیست که نماز واجب را ترک کند تا وقتش بگذرد، حتی اگر بیمار باشد، مادامی که عقلش پابرجاست، بلکه بر اوست که آن را در وقتش بر حسب توانایی‌اش بر اساس تفصیلی که ذکر شد، به جای آورد. اما کاری که برخی بیماران انجام می‌دهند و تا بهبودی از بیماری، نمازشان را به تأخیر می‌اندازند، امری است که جایز نیست و اصلی در شریعت مطهر ندارد.

۱۴- اگر انجام هر نماز در وقت خودش برای بیمار سخت بود، او می‌تواند بر حسب آنچه برایش آسان‌تر است میان ظهر و عصر، و میان مغرب و عشا، جمع تقدیم یا جمع تأخیر کند. اگر خواست، عصر را با ظهر مقدم کند، و اگر خواست، ظهر را با عصر به تأخیر اندازد. اگر خواست، عشا را با مغرب مقدم کند، و اگر خواست، مغرب را با عشا به تأخیر اندازد.

اما نماز فجر، نه با نماز قبلش و نه با نماز بعدش جمع نمی‌شود؛ زیرا وقت آن از قبل و بعدش جداست.

و بالله التوفیق، و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه و سلم».

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز... شیخ عبدالعزیز آل الشیخ... شیخ عبدالله بن غدیان... شیخ صالح فوزان... شیخ بکر ابوزید.

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء (۲۴/۴۰۵).